

ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» بیان شده است.

این در حالی است که مطابق با فرایند طراحی شده در قانون اساسی نمی‌توان اظهار نظر هیئت عالی نظارت را بدون محدودیت زمانی دانست. در این خصوص باید گفت که قانون‌گذار اساسی برای تصویب یک مصوبه در مجلس شورای اسلامی و تبدیل آن به قانون لازم‌الاجرا فرایند مشخصی را طراحی کرده است که مبتنی بر آن پس از تصویب طرح‌ها و لوایح قانونی در مجلس شورای اسلامی مطابق با ضوابط قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، مبتنی بر اصل ۹۴ قانون اساسی، همه مصوبات مجلس جهت انطباق با موازین شرعی و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال می‌شود و پس از تأیید شورای نگهبان و ابلاغ مصوبه متن به قانون لازم‌الاجرا تبدیل می‌گردد. این مورد جز در مواردی که مغایرت قانون با موازین شرعی توسط فقهای شورای نگهبان احراز می‌شود که به استناد اصل ۴ قانون اساسی امکان ابطال قانون وجود دارد؛ در سایر موارد نمی‌توان فرایند قانون‌گذاری اساسی‌سازی شده در قانون اساسی را دچار تزلزل کرد و نظم حقوقی موجود در جامعه را تغییر داد. از همین رو باید در مقام تبیین صلاحیت‌های هیئت عالی نظارت صلاحیت این نهاد را در فرایند اساسی‌سازی شده در قانون اساسی مطالعه و تبیین کرد.

در این زمینه از آنجا که مرجع بررسی و اعلام مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرعی و قانون اساسی شورای نگهبان است، می‌توان این نهاد را طریقه اعلام نظر هیئت عالی نظارت دانست. به بیان دقیق‌تر، هیئت عالی نظارت مکلف است نظرهای خود در خصوص مغایرت یا عدم انطباق مصوبه مجلس با سیاست‌های کلی نظام را از طریق شورای نگهبان برای مجلس شورای اسلامی ارسال کند. شورا نیز مکلف است نظرهای ارسالی را برای مجلس ارسال نماید، زیرا شورای نگهبان به‌عنوان دادرسی اساسی تنها مرجعی است که صلاحیت اعلام مغایرت مصوبه را دارد و پس از اعلام نظر این نهاد مصوبه به قانون تبدیل می‌شود. در نتیجه از آنجا که پس از اعلام نظر شورای نگهبان در محدوده قانونی مذکور در اصول ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی مصوبه به قانون تبدیل می‌شود، هیئت عالی نظارت مکلف است در ظرف

زمانی اظهار نظر شورای نگهبان نیز اقدام به اعلام نظر کند. بر این اساس می‌توان گفت که شورای نگهبان در فرایند اعلام نظر هیئت عالی نظارت طریقت دارد و آثار این طریقت آن است که اولاً اعلام نظر هیئت عالی نظارت باید توسط شورای نگهبان صورت گیرد و ثانیاً هیئت عالی نظارت محدود به چارچوب‌های تعیین شده برای شورای نگهبان در اعلام نظر در خصوص مصوبات مجلس است که از جمله این محدودیت‌ها، محدوده زمانی تعیین شده است. ذیل ماده ۷ «مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» نیز بر همین مفهوم دلالت می‌کند و مقرر می‌دارد: «... نهایتاً اگر در مصوبه نهایی مجلس مغایرت باقی ماند، شورای نگهبان مطابق اختیارات و وظایف خویش بر اساس نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام اعمال نظر نمی‌نماید». علاوه بر این مرقومه رهبری در پاسخ به دبیر شورای نگهبان نیز به طریقت شورای نگهبان در این فرایند اشاره کرده است.

در نتیجه هیئت عالی نظارت در اعمال صلاحیت‌های خود در انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام و محدود به چارچوب‌های تعیین شده برای شورای نگهبان است و از آنجا که شورای نگهبان در این فرایند طریقت دارد، پس از اعلام نظر شورا امکان اعلام مغایرت مصوبه با سیاست‌های کلی نظام توسط هیئت عالی نظارت وجود ندارد و از سوی دیگر نیز که شورای نگهبان به‌عنوان طریقه اعلام نظرها مکلف است نظرهای

**۹۹ هیئت عالی نظارت در اعمال صلاحیت‌های خود در انطباق مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام و محدود به چارچوب‌های تعیین شده برای شورای نگهبان است و از آنجا که شورای نگهبان در این فرایند طریقت دارد، پس از اعلام نظر شورا امکان اعلام مغایرت مصوبه با سیاست‌های کلی نظام توسط هیئت عالی نظارت وجود ندارد و از سوی دیگر نیز که شورای نگهبان به‌عنوان طریقه اعلام نظرها مکلف است نظرهای هیئت عالی نظارت را کامل برای مجلس ارسال کند. ۶۶**

هیئت عالی نظارت را کامل برای مجلس ارسال کند.

### امکان اصرار مجلس شورای اسلامی بر مصوبه مغایر با نظرهای هیئت عالی نظارت

یکی دیگر از موضوعات قابل تأمل در فرایند اعمال صلاحیت‌های هیئت عالی نظارت، این است که پس از اعلام نظر هیئت عالی نظارت و انعکاس آن در نظرهای شورای نگهبان آیا مجلس شورای اسلامی می‌تواند بر مصوبه خلاف سیاست‌های کلی نظام اصرار ورزد و در صورت امکان اصرار کدام نهاد در خصوص تصمیم‌گیری در این زمینه صالح است؟ در این خصوص برخی با این استدلال که مجرای تعیین شده برای مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام شورای نگهبان و صلاحیت‌های خاص این نهاد است، بر این باورند که همه اقتضات اعلام نظر شورای نگهبان از جمله امکان اصرار مجلس شورای اسلامی بر مصوبه دارای ایراد و ارجاع آن به مجمع تشخیص مصلحت نظام در جهت اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی در خصوص نظرهای هیئت عالی نظارت نیز حاکم است. از سوی دیگر، چون مغایرت مصوبه مجلس با سیاست‌های کلی نظام در نهایت به‌عنوان مغایرت با شرع و قانون اساسی توسط شورای نگهبان اعلام می‌شود، مجرای تحقق اصل ۱۱۲ قانون اساسی نیز محقق شده است.

این در حالی است که مبتنی بر ادله حقوقی نمی‌توان موضوع اصرار بر مصوبه خلاف سیاست‌های کلی نظام به استناد نظر هیئت عالی نظارت را در صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار داد، زیرا اولاً مبتنی بر آموزه‌های حقوق عمومی بر عدم صلاحیت نهادهاست، مگر آنکه قانون‌گذار به صراحت بر صلاحیت آن اشاره کرده باشد. در خصوص اصل ۱۱۲ قانون اساسی و صلاحیت مجمع تشخیص در تشخیص مصالح کشور در موارد اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان و اصرار مجلس باید گفت که این اصل فقط در مقام بیان سازوکار تشخیص مصلحت در حل اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان بوده، در حالی که اصرار مجلس بر موارد مغایرت با سیاست‌های کلی نظام ناشی از نظر هیئت عالی نظارت در خصوص ایراد شورای نگهبان نبوده